

انفجار اطلاعات

طنین این خبر تا آنجا هر اسناک است که بسیاری، از هم اکنون فاتحه همه چیز را خوانده‌اند: هویت ملی، اخلاق، زبان فارسی...

سیدمرتضی آوینی

آن می‌بیند. به آنچه فرا می‌خوانندش روی می‌آورد و از آنچه باز می‌دارندش پرهیز می‌کند. دروازه‌های گوش و چشم و عقلش برای پیام‌های پروپاگاندا باز است و مثلا در ایران خودمان وقتی می‌شنود که «بانک فلان، بانک شماست»، باور می‌کند و پولش را در بانکی انبار می‌کند که جایزه بیشتری می‌دهد... و از این قبیل. و خب! دهکده جهانی هم برای آنکه سر پا بماند به شهروندان مطیعی نیاز دارد که سرشان در آخور خودشان باشد. در آغاز دهه هشتاد میلادی واقعه بسیار شگفت‌آوری در کمره زمین روی داد که غرب را از خواب غفلتی که به آن گرفتار آمده بود خارج کرد. در نقطه‌ای از کره زمین که یکی از غلامان خانه‌زاد کاخ سفید حکومت می‌کرد، ناگهان میلیون‌ها نفر از مردم از خانه‌ها بیرون ریختند و فارغ از ملاحظات و معادلات غریزی مربوط به حفظ حیات، سسینه در برابر گلوله‌ها سپر کردند و ارتشی هم که دهها میلیارد دلار خرج آن شده بود به انفعالی گرفتار آمد که چاقو در برابر دسته خویش دارد؛ چاقو دسته‌اش را نمی‌برد، مردم چه می‌خواستند؟ عجیب اینجاست، مردم چیزی می‌خواستند که هرگز با عقل حاکم بر دنیای جدید جور در نمی‌آمد: حکومت اسلامی. نمونه‌ای هم که برای این حکومت سراغ داشتند به ۱۳ قرن پیش باز می‌گشت. مردم ایران این

انفجار اطلاعات! نمی‌دانم چرا من از این تعبیر آنچه‌چنان که باید نمی‌ترسم و حتی چه بسا مثل کسی که دیگر صبرش تمام شده است از فکر اینکه جهان به سرنوشت محتوم این عصر نزدیک‌تر می‌شود خوشحال می‌شوم. نیچه خطاب به فیلسوفان می‌گوید: «خانه‌هایتان را در دامنه‌های کوه آتشفشان بنا کنید» و من همه کسانی را که در جست‌وجوی حقیقتند مخاطب این سخن می‌یابم. «گریختن» مطلوب طبع کسانی است که فقط به عافیت می‌اندیشند و اگر نه، مرگ یک بار، زاری هم یک بار. دهکده جهانی واقعیت پیدا خواهد کرد، چه بخواهیم و چه نخواهیم. این حقیقت تنها ما را که شهروندان مطیعی برای این دهکده بزرگ نیستیم مضطرب نمی‌دارد و بلکه غرب را هم چه بسا بیش‌تر از ما به اضطراب می‌اندازد. ما شهروندان مطیعی برای دهکده جهانی نیستیم؛ این سخن نیاز به کمی توضیح دارد. شهروند مطیع کسی است که وجود فردی‌اش مستحیل در جامعه‌ای است که پیرامون او وجود دارد. اعتراضی ندارد. استدلال‌های رسمی را می‌پذیرد و در صدق گفتار سیاستمداران تردید روا نمی‌دارد. تا آنجا تسلیم قوانین محلی است که عدالت را نه قبله قانون، که تابع

مقاله انفجار اطلاعات آخرین مقاله ای است که سیدمرتضی آوینی پیش از شهادتش نوشته است؛ زمانی که مهم‌ترین بحث مطرح در فضای فرهنگی کشور مقوله «ماهواره» و آثار و تبعات آمدن آن بود. درباره نویسندگان، معمول چنین است که آثار متاخر آنها از پخته‌ترین آثار آنهاست؛ چه از حیث قالب و چه از نظر محتوا. مقاله انفجار اطلاعات از جهت زیبایی هنری در بین آثار آوینی از بهترین‌هاست. اما صرف نظر از این مساله، بعد از گذشت سال‌ها همچنان تازگی خود را هم حفظ کرده است و این شاید به این دلیل باشد که از سر درد نوشته شده و نویسنده‌اش در نوشته خود زیسته است. امروز سال‌ها از آمدن ماهواره گذشته است و بنا بر این شاید طبیعی‌تر بود به جای سوال از نحوه مبارزه با ماهواره، در باب نحوه مواجهه، کنار آمدن (یا ...) با رسانه‌های فارسی‌زبانی که از زمین و هوا می‌جوشند بیندیشیم. اما در هر حال صورت مساله همچنان همان است که بود، و تا چنین است، تلخی و شیرینی خواندن دوباره مقالاتی از این دست و تجربه هم‌زمانی با نگارنده این کلمات همچنان باقی است.

سردبیر



۶۶

باید در روبه‌رو شدن با واقعیت، به اندازه کافی جرات و شجاعت داشت. غرب چنین است که در عین ضعف، بیشتر از همیشه رجز می‌خواند تا خود را در پناه وهم حفظ کند

« پیام » را از کدام رادیو و تلویزیون، فیلم و یا تئاتری گرفته بودند؟ این پرسشی بود که غرب نمی‌توانست به آن جواب گوید. مهم نیست که غرب این نوع حرکت‌های اجتماعی را چه می‌نامد: بنیادگرایی، ارتجاع و یا هر چیز دیگر... مهم این است که این واقعه نشان داد «حصارهای اطلاعاتی قابل اعتماد نیستند.»

بینیدا واقعه شگفت‌آوری که رخ داده بود این بود که غرب ناگهان خود را نه با کشور جشن هنر شیراز و آری آوانسیان و «سراسر گنج دره جنی» و «دایی جان ناپلئون» و جشن‌های دو هزار و پانصد ساله و فریدون فرخزاد... که با کشور سیدمجتبی نواب صفوی و حاج‌مهدی عراقی روبه‌رو یافت. و انقلاب اسلامی در داخل مرزهای «سپهر اطلاعاتی» غرب روی داد؛ در یک جزیره ثابت، و پیروز هم شد.

مهم اینجاست که واقعهای نظیر این باز هم در هر نقطه دیگری از جهان می‌تواند روی دهد. من شهر «دوشنبه» را پیش از آنکه به تسخیر رحمان نبی‌اف و ارتش سرخ درآید دیده بودم. در آنجا با روشنفکرانی آشنا شدم که تو گویی از زمان سامانیان آمده بودند و

در نماز جمعه در صف نمازگزارانی ایستادم که خارج از اتمسفر رسانه‌های گروهی و در عصر ابوحنیفه می‌زیستند. و هم اکنون مگر در شرق اروپا و در میان مسلمانان حوزه بالکان چه می‌گذرد؟ تصویری که مادر مجله «سوره» چاپ کردیم بسیار گویاست: جوانی با گیسوان بلند و عینک رمبویی پیشانی‌بندی بسته است که روی آن نوشته: «الله اکبر، جهاد». و این واقعه در میان مرزهای کنترل‌شده سپهر اطلاعاتی غرب روی داده است؛ و مگر جایی در کره زمین هست که بیرون از این مرزها باشد؟

دهکده جهانی واقعیت پیدا کرده است، چه بخوایم و چه نخوایم، و ماهاوراهها مرزهای جغرافیایی را انکار کرده‌اند. این همان دهکده‌ای است که گرگوار سامسا در آن چشم باز کرده است. این همان دهکده‌ای است که مردمانش صورت مسخ‌شده «کرگدن»‌های اوژن یونسکو را پذیرفته‌اند. همان دهکده‌ای که مردمانش «در انتظار گودو» هستند. این همان دهکده‌ای است که در آن مردمان را به یک صورت واحد قالب می‌زنند و هیچ‌کس نمی‌تواند از قبول مقتضیات تمدن

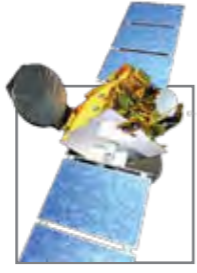


تکنولوژیک سر باز زند. این همان دهکده‌ای است که بر سر ساکنانش آنتن‌هایی روپیده است که یکصد و پنجاه کانال ماهاوراهها را مستقیماً دریافت می‌کنند. این همان دهکده‌ای است که در آن روبات‌ها عاشق یکدیگر می‌شوند. این همان دهکده‌ای است که در آن «ترمیناتور دو» به سی سال قبل باز می‌گردد و خودش را از بین می‌برد. این همان دهکده‌ای است که در آن «بتمن» و «ژوکر» با هم مبارزه می‌کنند. این همان دهکده‌ای است که در تلویزیون‌هایش دختران شش ساله را آموزش جنسی می‌دهند، همان دهکده‌ای که در آن گوسفندهایی با سر انسان و انسان‌هایی با سر خوک به دنیا می‌آیند. این همان دهکده‌ای است که در آن تابلوی «مسیح از ورای ادرار» ماه‌ها توجهات همه رسانه‌های گروهی را به خود جلب می‌کند. این همان دهکده‌ای است که در آن دویست و چهل و شش نوع تجاوز جنسی رواج دارد... اما عجیب اینجاست که باز هم این همان دهکده‌ای است که در زیر آسمانش بسیجیان زمل‌های فکه زیسته‌اند، همان دهکده جهانی که در نیمه‌شب‌هایش ماه، هم بر کازینوهای

«لاس‌وگاس» تابیده است و هم بر حسینیه «دوکوهه» و گورهایی که در آن بسیجیان از خوف خدا و عشق به او می‌گریسته‌اند. دنیای عجیبی است، نه؟

بیش از یک قرن است که علی‌الظاهر هیچ تمدنی به‌جز تمدن غرب در سراسر سیاره زمین وجود ندارد. همه جا در تسخیر این صورت از حیات‌بشری است که تمدن غرب با خود به ارمغان آورده است. هیچ‌یک از امم عالم نتوانسته‌اند نه در زبان، نه در فرهنگ، نه در معماری، نه در حیات اجتماعی و نه در زندگی فردی، خود را از تأثیرات تمدن غرب دور نگاه دارند. و اکنون که با وجود ماهاوراهها، مرزهای جغرافیایی نیز انکار شده است و آینه جادو در یکایک خانه‌های این دهکده به‌هم‌پیوسته جهانی نفوذ کرده است، عقل سطحی چنین حکم می‌کند که دیگر هیچ چیز نمی‌تواند حکومت جهانی مفیستوفلس را حتی به لرضه بیندازد، چه رسد به آنکه آن را به انقراض بکشاند. اما چنین نیست.

میلان کوندرا در کتاب «هنر رمان» از تناقض‌هایی خاص این آخرین دوران تمدن غرب نام می‌برد



که آنها را «تناقض‌های پایانه‌ای» می‌خواند. مثالی که او می‌آورد می‌تواند پرده ابهام از این تعبیر به‌یکسو زند:

در عصر جدید، عقل دکارتی همه ارزش‌های به ارث رسیده از قرون وسطی را، یکی پس از دیگری تحلیل می‌برد. اما، در زمان پیروزی تام و تمام عقل، این عنصر غیر عقلی محض (قدرتی صرفاً در پی خواست خویشتن) است که بر صحنه جهان تسلط خواهد یافت، زیرا دیگر هیچ نظامی از ارزش‌های مقبول همگان وجود ندارد که بتواند مانع پیشروی آن‌شود.

اگر واقع‌گرا باشیم جنگ جهانی دوم را یکی از ترمینال‌هایی خواهیم یافت که ذات پارادوکسیکال غرب در آن ظهور یافته است. نمی‌دانم شما جنگ کویت را چگونه تفسیر می‌کنید، اما من در آن یک تناقض می‌یابم؛ تناقضی که شاخک‌های حس ششم بسیاری از متفکران غربی - و از جمله نوآم چامسکی - آن را دریافت. غرب پیروزی خود را در جنگ کویت در میان یک حس اضطراب همگانی جشن گرفت و این اضطراب، از جمله در لوس‌آنجلس، نشتری شد که دمل چرکین یک اعتراض واقعی را ترکاند.

غرب ذاتی پارادوکسیکال دارد و این پارادوکس‌های پایانه‌ای، سرنوشت محتومی هستند که تمدن امروز به سوی آن راه می‌سپرده است. انفجار اطلاعات از همین ترمینال‌هایی است که تناقض نهفته در باطن تمدن امروز را آشکار خواهد کرد. وقتی حصارهای اطلاعاتی فرو بریزد، مردم جهان خواهند دید که این دژ‌ها مستحکم بنیان‌هایی بسیار پوسیده دارد که به تلنگری فرو خواهد ریخت. قدرت غرب، قدرتی بنیان‌گرفته بر چهل است و آگاهی‌های جمعی که انقلاب‌ها هستند به‌یکباره روی می‌آورند؛ همچون انفجار نور. شوروی نیز تا آنگاه که فصل فروپاشی‌اش آغاز نشده بود خود را قدرتمند و یکپارچه نشان می‌داد و غرب نیز آن را همچون دشمنی بزرگ در برابر خویش می‌انگاشت. تنها بعد از فروپاشی بود که باطن پوسیده و از هم گسیخته شوروی آشکار شد.

اکنون در غرب همه چیز با سال‌های دهه ۱۹۳۰ تفاوت یافته است. مردم با اضطرابی که از یک عدم اطمینان همگانی برمی‌آید به فردا می‌نگرند. آنها هر لحظه انتظار می‌کشند تا آن دژ اطلاعاتی که موجودیت سیاسی غرب بر آن بنیان گرفته است با یک انفجار مهیب فرو بریزد و آن روی پنهان تمدن آشکار شود. برای آنکه ردیف منظم آجرهایی که متکی به یکدیگر هستند فرو ریزد، کافی است که همان آجر نخستین

سرتگون شود. تمدن‌ها هم پیر می‌شوند و می‌میرند و از بطن ویرانه‌هاشان تمدنی دیگر سر بر می‌آورد. در آغاز، تمدن با یک اعتماد مطلق به قدرت خویش پا می‌گیرد و هنگامی که این احساس جای خود را به عدم اعتماد بخشید، باید دانست که موعد سرتگونی فرا رسیده است.

■ و اما درباره خودمان. نباید بترسیم. حصارها تا هنگامی مفید فایده هستند که دزدان شنبو بر زمین می‌زیند، اما آنگاه که دزدان از آسمان فرود می‌آیند، چگونه می‌توان به حصارها اطمینان کرد؟ پس باید از این اندیشه که حصارهایی بتوانند ما را از شر ماهاوراهها محفوظ دارند، بیرون شد و «خانه را در دامنه آتشفشان بنا کرد.»

باید در روبه‌رو شدن با واقعیت، به اندازه کافی جرأت و شجاعت داشت. غرب چنین است که در عین ضعف، بیشتر از همیشه رجز می‌خواند تا خود را در پناه وهم حفظ کند. جنگ کویت چنین بود و بنابراین، تنها اسپران حصارهای توهم را به وحشت دچار کرد نه آنان که ضعف و پیری این‌قداره بند مفلوک را در پس اعمال و اقوالش می‌دیدند. می‌خواهم بگویم که خود ماهاوراه، در عالم واقع، آن‌همه ترس ندارد که طنین این خبر در عالم وهم: «ماهاوراه دارد می‌آید.» طنین این خبر تا آنجا هراسناک است که بسیاری، از هم‌اکنون فاتحه همه چیز را خوانده‌اند: هویت ملی، اخلاق، زبان فارسی... چنان که پیش از آمدن تلویزیون نیز سخنانی چنین در افواه بود.

ماهاوراه مظهر آن پیوستگی جهانی است که تمدن جدید انتظار می‌برده است. آمریکا نیز مظهر آن اراده جمعی است که همراه با بشر جدید پیدا شده و در جست‌وجوی قدرت و استیلا، توسعه و اطلاق یافته است. «استیلا» و «ولایت» هم‌ریشه هستند و اگر بعضی از محققان استیلای غرب را بر عالم «ولایت طاغوت» خوانده‌اند، تعبیری را می‌جست‌اند که بتواند مفاهیم جدید را در حوزه معرفت دینی معنا کند؛ و چه تعبیر درستی یافته‌اند.

غرب، از همان آغاز، غایتی مگر برپایی یک حکومت جهانی نداشته است و هم‌اکنون نیز چه آنان که از حاکمیت ماهاوراهها به وحشت افتاده‌اند و چه آنان که مشتاقانه چنین روزی را انتظار می‌برند، هر دو، حاکمیت ماهاوراهها را با حاکمیت جهانی غرب یکسان گرفته‌اند و هر دو اشتباه می‌کنند.

TRT ترکیه

شبکه تازه ترکیه که به زودی برای ایرانیان برنامه پخش خواهد کرد، زبان خود را فارسی - آذری اعلام کرده است. این شبکه ظاهراً قرار بوده در سال ۲۰۰۹ (مسال) راه اندازی شود، اما فعلاً برخی از کارهای مقدماتی اش در حال انجام است و به نظر می رسد از سال ۲۰۱۰ برنامه هایش را با هشت ساعت پخش در روز آغاز کند. معاون پخش فارسی صدای ترکیه گفته که دلیل این تاخیر این بوده که فعلاً اولویت را به تلویزیون کشورهای آسیای مرکزی داده اند، ولی برنامه های فارسی و عربی نیز در سال ۲۰۱۰ آغاز به کار خواهند کرد.



راه اندازی نسخه فارسی شبکه های تلویزیونی، دیگر دارد به یک رسم یا یک مزیت رقابتی در میان شبکه های فعال خارجی تبدیل می شود

شهادت سنگ ها رسانه های

با ظهور ایران به عنوان یک قدرت مؤثر و با نفوذ فرمانطقه ای و اتخاذ سیاست لزوم مهار ایران از سوی بنگاه های بین المللی رسانه ای، شرایط رسانه ای جهان به سمتی حرکت می کند که تأسیس شبکه های فارسی زبان موضوعیت پیدا می کند. تا همین چند سال پیش بیشتر این شبکه های لس آنجلسی تفریحی و سیاسی بودند که با برنامه های ضعیف و سطحی پا به میدان می گذاشتند تا مخاطبان را بسا رقص و آواز ایرانی - لس آنجلسی و یا با بحث هایی ناسزاگونه مواجه کنند. اما حالا

افتاد. یعنی این بار بنگاه های بزرگ رسانه ای دست به رقابت در این میدان زده اند. از این گروه حرفه ای تر، جز بی بی سی فارسی که از لندن برنامه پخش می کند، در حال حاضر شبکه های دیگری هم مشغول پخش برنامه اند: شبکه فارسی زبان «فارسی ۱» مخصوص پخش سریال های خارجی با دوبله فارسی، شبکه MBC Persia با مالکیت عربستان مخصوص پخش فیلم سینمایی با زیرنویس فارسی، VOA با مالکیت آمریکا مخصوص پخش خبر و برنامه های تفسیر و تحلیل سیاسی به زبان فارسی و شبکه «جالیات» که قرار است از کویت به این

جمع بپیوند. چند شبکه دیگر هم در نوبت بعدی قرار دارند. اولین آنها شبکه WIN است که برنامه های اخبار و تحلیل خبرش را از واشنگتن پخش خواهد کرد، شبکه TRT ترکیه که او هم به بازار مخاطبان رسانه های تصویری در ایران چشم دوخته و اعلام کرده بعد از راه اندازی شبکه کردی، به تأسیس شبکه فارسی اقدام خواهد کرد و نیز رژیم صهیونیستی و شبکه یورونیوز که زمزمه هایی از پیوستن آنها هم به این جمع به گوش می رسد.

وزارت ارشاد خیلی زود علیه شبکه فارسی بی بی سی واکنش نشان داد اقدام علیه امنیت ملی



در بدو شروع به کار شبکه بی بی سی فارسی، وزارت ارشاد و تعدادی از نمایندگان مجلس به این رویداد واکنش نشان دادند. معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بیانیه ای همکاری با شبکه فارسی زبان «بی بی سی» را اقدام علیه امنیت ملی اعلام کرد: «برابر گزارش های موثق واصله، متأسفانه شبکه فارسی زبان BBC انگلستان با هدف تهیه مقدمات فعالیت خود، اقدام به برقراری ارتباطات مشکوک و غیرموجه کرده و با نادیده گرفتن قوانین، سعی در جذب افرادی معلوم الحال و برنامه سازی درباره موضوعات

مشکوک دارد. انجام فعالیت های غیرقانونی و ایجاد ارتباط با برخی افراد دارای سابقه فعالیت ضدامنیتی، مصداق بارز اقدام علیه منافع ملی یک کشور بوده و ادامه این رویه، بیانگر انگیزه های سوء طراحان شبکه مذکور است. با توجه به تأمین مالی سازمان رادیو و تلویزیون BBC توسط دولت انگلستان و سابقه منفی دولت آن کشور در نقض حاکمیت دولت های مستقل و مداخلات استعماری آن، این نگرانی نزد افکار عمومی قوت گرفته که تأسیس شبکه تلویزیونی فارسی زبان BBC ادامه حرکت

با چشمان باز

رسانه بد سابقه

بیزن نوپاوه، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی هم از «سابقه استعماری رسانه های بیگانه» سخن به میان آورد و گفت: «به نظر من سابقه تلویزیون ها و رادیوهای بیگانه در کشور ما نشانگر آن است که اهداف آنها به شدت استعماری بوده است، به خصوص انگلیس که هدفی جز نفوذ در کشورهای جهان سوم ندارد. اهداف تلویزیون «بی بی سی» با هدف های بزرگ تری که اتحادیه اروپا دنبال می کند و هم انگلیس دارد». او همچنین گفت «اکنون مهم ترین جنگ، جنگ نرم رسانه ای است. ساختار تبلیغاتی رسانه های غربی ایجاد تغییرات بنیادین در نسل جدید است، چرا که دریافته اند بهترین روش برای هرگونه تغییری در نظام اسلامی، ایجاد تغییرات بنیادین در نسل جدید است. نوباره همچنین درباره موضع ایران در قبال خبرنگارانی که با «بی بی سی» همکاری می کنند، تنها به گفتن نظر شخصی خود اکتفا کرد: «در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت خبرنگارانی که با این رسانه کار می کنند به کشور و نظام خدمت نمی کنند. آنها کافی است به هدف ها توجه کنند و ببینند دارند آب به آسیاب چه کسی می ریزند. «بی بی سی» باید اول از همه بگوید که هدفش از بازتاب اخبار داخلی ایران چیست. از دیدگاه ما «بی بی سی» یا هر کشور غربی دیگر، از طریق ایجاد رسانه های فارسی، اهداف توسعه طلبانه خود را دنبال می کند.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

شبکه های فارسی جدید

شبکه جالیات

یکی از مدیران وزارت اطلاع رسانی کویت از قصد آنها برای راه اندازی شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته به زبان فارسی خبر داد و گفت در این زمینه، مجریان خانم و آقایانی نیز گزینش و پیش تولید برنامه ها آغاز شده است. این شبکه به «جالیات» مشهور شده و هدف اولیه آن پخش فیلم های هالیوودی و برنامه های سرگرمی به زبان فارسی است. با آغاز به کار بخش خبری فارسی صدای آمریکا «ام بی سی» فارسی و راه اندازی «بی بی سی» فارسی، اقداماتی از این دست در کشورهای عربی همچون کویت، هر روز بیشتر از دیروز شده است.



فارسی ۱

مقر فارسی ۱ از قرار معلوم در یک ساختمان چهار طبقه در هتک کنگ قرار دارد. موسس آن نیز مجموعه رسانه ای «استار» متعلق به نیوز کورپوریشن است. مالک امپراتوری نیوز کورپوریشن هم کسی نیست جز سرمایه دار مشهور یهودی «روبرت مرداک». نیوز کورپوریشن علاوه بر رسانه های دیداری و شنیداری، بیش از صد روزنامه و مجله هم در سراسر دنیا منتشر می کند. از میان شبکه های تلویزیونی، مجموعه فیلم سازی فاکس و شبکه های تلویزیونی فاکس و فاکس نیوز هم که رسانه های تبلیغاتی بوش در جنگ علیه عراق بودند در مالکیت نیوز کورپوریشن است.



الحسین

عربستان سعودی نیز به زودی شبکه فارسی زبان الحسین را تأسیس خواهد کرد و ششده شده است تلویزیون فارسی زبان اروپا نیز تا پایان سال آینده قابل مشاهده خواهد بود. هم اکنون شبکه تلویزیونی شارجه نیز در برخی از ساعات روز برنامه هایی به زبان فارسی پخش می کند عربستان هم اکنون هم با شبکه MBC Persia مشغول پخش فیلم های هالیوودی به زبان انگلیسی و با زیرنویس فارسی است.

